

۲۴ آذر ۱۹۷۵

ژاله بیرغوز

۴ آذر رخصتی ایاج محمد استار زوی دناش هیزه آتزا بن داد.
نامه با این جمله شروع شده بود: «در پیاخ» نامه ابر که نویسه و حاله
بن سیرانه درود ایان زردایا سیرفردال درود انماره آدر سیرین

Moscow B-279

г.ч. Воегенько 14/1

امسال داتسم و قعی کردم که این نامه را چشم بر آن پیاخ آن نویسم.
حالا سلام شود آدر سیر غرضه دناش نویسه و همه چیز دست به دست
می بر که ببرد. سود تمام ایبار شود. ادر که کن از آن چه فرودام.
ملاز داتسم این تو خیا - نه چطور تکتی شود. هدایت من بتو فرود
مکن کرم و فرایزیم ز تو ان - در عز تو لذت و با بهانه بی تو کانه
نویسم و دناش آن نویسم که نامه او بر به آ خط پیاخ نویسم
کنم. با در از این که بازم ایام فرغم هم در بیفت نامه در عهدم.
ما تا نامه نویسی. تشکر و امید دارم که تو خیا - من مظهر ارادت
کرد باشی. بر سه که آن «اسپه» نام مستخرج است. این
دست است دی چسب که استار را می خورند چاپ کنه نویسی.
در نظر نگه دار و مرا دوست می آید تشکر شیم و احسنه من قیام
بی چاپ نویسه در خواتم از ابانه. دینی تو ان ز ما پیاخ
دو این نوع مریه پیاخ نغمه بهی. شریفین «پا بهزدا» را
در «دنیا» چاپ فرام کرد با بهانه بی دبا کال سپر خدمت
به بعد میند و هر دو از غرضه از قول آذر و فرودام زادن بر نام
و در آن دست غنیرا بهیسم - بار ایبار این نامه قیام بهیست

این نامه آدر سیرین دین نویسه است. اگر ایوان حیدر در آدر سیرین
اقال قطع فرام نه. بقدر گنج گنج که ز دینم آید فایده است و فرشته. دینا سیر قیام
دارد. بی از آدر سیرین طلب بار دین. رشادته. است و در چه بیکر چه بهیست
نویسه و در خوره. دینا چنان بگین. «در سیریم». دینا بهیست که بیست کلان
و در آن نویسه. کانه آدر سیرین